

یاران روحانی

با تقدیم تحیات و با آرزوی قبولی طاعات و عبادات و نیز با تبریک به مناسبت فرارسیدن اعیاد نوروز و صیام.

همان طور که می دانیم اساسی ترین پیام حضرت بهاءالله برای عالم انسانی و جوامع بشری، صلح و آشتی و اتحاد و اتفاق است، که در آثار مبارکه نیز بسیار مورد توجه بوده است. ایام نوروز فرصتی است برای آن که ما نیز چون طبیعت، متحوّل شده و روابطمان با دوستان و خویشان را، تر و تازه نموده و با استمداد از سنتّ زیبای دید و بازدید، سعی در گسترش مهر و دوستی و صلح و آشتی نمائیم.

برنامه تقدیمی که با عنوان " صلح و آشتی "، تهیه گردیده است، قصد دارد با تأمل بر آثار مبارکه الهیه، ما را بیش از پیش به تلاش در این مسیر، دعوت نماید. امید آن که ایام مبارکه پیش رو برای شما عزیزان و مردمان عزیز کشور ایران و ساکنین عالم امکان، مملو از دوستی و مهر باشد.

جانتان خوش باد

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

اول باید صلح و سلام بین افراد انسانی تأسیس شود تا منتهی به صلح عمومی گردد. پس تا توانید، ای بهائیان، بین افراد نفوس محبت حقیقی و الفت روحانی و ارتباط محکم، به قوه کلمه الله، اندازید. این است تکلیف شما

منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۳۸

عنوان: صلح و آشتی

قسمت روحانی

۱. مناجات شروع
۲. بیانات مبارکه حضرت بهاء الله
۳. انتظار حضرت عبدالبهاء از یاران
۴. لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۵. منتخباتی از بیانات حضرت عبدالبهاء
 ۶. بیانات مبارکه حضرت ولی محبوب امرالله
 ۷. یک خاطره
 ۸. شور و مشورت
- چگونه میتوان از ایام نوروز به عنوان فرصتی برای ساختن لحظات شیرین آشتی و رفع کدورت‌ها، بهره جست؟
۹. برنامه نوجوانان و نونهالان عزیز

قسمت اجتماعی

۱۰. انس و الفت

۱۱. مناجات خاتمه (به انتخاب جمع)

۱- مناجات شروع

۱. ... و عزتک یا محبوبی لو تُعذِّبَنی ففی کلِّ حینٍ ببلَاءٍ جَدیدٍ، لِأَحَبِّ عِنْدِی مِنْ أَنْ یَحْدِثَ
بَیْنَ أَحِبَّائِکَ مَا یُکَدِّرُ بِهِ قُلُوبَهُمْ وَیَتَفَرَّقُ بِهِ اجْتِمَاعَهُمْ. لِأَنَّکَ مَا بَعَثْتَنی إِلَّا لِتُحَادِثَهُمْ عَلَی
أَمْرِکَ الَّذِی لَا یَقُومُ مَعَهُ خَلْقُ سَمَائِکَ وَارْضِکَ...

مجموعه اقتدارات - ص ۲۱۴

مضمون بیان مبارک:

سوگند به بزرگواری تو ای جانان من، اگر مرا در هر آنی به بلای جدیدی دچار سازی آن را بیشتر دوست دارم تا آن که بین دوستان و یاران تیرگی دل پیش آید و جمع آنها به تفرقه دچار شود. زیرا تو مرا مبعوث نفرمودی مگر از برای یگانگی آنها بر امر خود. امری که خلق آسمان و زمینت در برابر آن ایستادگی نتوانند...

۲- بیانات مبارکه حضرت بهاءالله

حق شاهد و گواه است که ضرری از برای این امر، الیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و برودت مابین احباب نبوده و نیست. اجتنبوا بقدره الله و سلطانه ثم الفوا بین القلوب باسمه المؤلف العلیم الحکیم.

اقتدارات و چند لوح دیگر ص ۲۲۲

... اگر نفوس مقبله، سبب منع فیوضات الهیه نمی شدند، حال شمس "یوم یغنی الله کلاً من سعته" را از افق عالم ظاهر و مشرق مشاهده می نمودند. سم قتال، اختلاف بوده و خواهد بود. از حق بطلبید تا این اختلاف را به ائتلاف و اتحاد، مبدل فرماید. انه هو المقتدر القدیر. اگر احبای الهی به این مقام بلند اعلی فائز شوند، عنایات و برکات و فیوضات ربانی را در کلّ حین ملاحظه نمایند. این است نیریان که از افق سماء قلم رحمن، اشراق نموده.

آیات الهی جلد ۲ (۱۳ فوریه)

۳- انتظار حضرت عبدالبهاء از یاران

"الله ابهی، ای یاران الیوم یوم اتحاد و اتفاق است ... ما را امید چنان بود که دوستان و یاران الهی شب و روز از شدت غلیان حب، معانقه و مصافحه و ملاحظه و مجاذبه نمایند نه منازعه و مجادله و مباهله. این چه حالت است که جالب صد هزار مضرت است؛ این چه فطرت است که علت این همه حزن و کدورت است."

مجموعه مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۸۸، ص ۱۰۶

۵-منتخباتی از بیانات حضرت عبدالبهاء

"هر نفسی سبب کدورت دیگری شود، نزد خدا گنه کار است. خدا جمیع قلوب را مسرور می‌خواهد تا هر فردی از افراد، در نهایت سعادت زندگی نماید... خلاصه، مبادا قلبی آزرده نماید یا دربارهٔ یکدیگر غیبت کنید."

خطابات مبارکه، ج ۲، ص ۳۴۳

و نیز می‌فرمایند:

تو باید به شخص من ناظر باشی و رضای مرا خواهی و رضای من این است که از احدی کدورت حاصل نکنی. من که از تو راضی باشم، دیگر چه غصه ای داری؟

خاطرات نه ساله، صفحه ۴۴۴

هُوَالْأَبْهَى

ای ثابت نابت، از تأییدات خاصهٔ جمال قدم و اسم اعظم روحی لاجبائه الفدا، مُستدعی و مُلتَمسیم که در جمیع شئون، موقّق گردی. الیوم مغناطیس اعظم تأییدات الهیه، اتّحاد و اتّفاق دوستان الهیست. قسم به آن جوهر وجود و ملیک محمود که اتّحاد و یگانگی احبای الهی چنان تأثیر و نفوذی در عالم وجود دارد که، به تقریر و تحریر نیاید و همچنین اختلاف و بیگانگی در میان دوستان رحمانی، چنان مضرتی در حیز شهود آرد که، تصوّر نتوان نمود. پس ای یار دیرین به جان و دل بکوش که بیگانگی از میان عباد الهی، زائل گردد و یگانگی روحانی وجدانی رحمانی به میان آید و چون این شاهد اتّحاد و اتّفاق در انجمن یاران جلوه نماید، عیش روحانی و جشن رحمانی، تأسیس گردد و دلبر امر الله و شهریار محبت الله، در کوه و دشت و صحرا، خیمه برافرازد و روح و ریحان به میان آید و جهان جنت ابهی گردد و اگر اختلاف و بیگانگی بین دوستان باقی ماند، روز به روز شعلهٔ محبت الله، مَخمود گردد و خَمُودت و جَمُودت احاطه کند. ع ع

پس تا توانی در ائتلاف بکوش تا عبدالبهاء راضی گردد و روح و ریحان رُخ نماید. فوالله الذی لا اله الا هو چون تصوّر الفت یاران نمایم، جان نفحات قدس استشمام نماید و چون ملاحظهٔ اختلاف یاران کنم، نهایت غُموم و هُموم، مُستولی گردد. باری دیگر آن جناب ملاحظه نمائید که چه باید کنید و چگونه باید حرکت نمائید و البهء علیک و علی کلّ ثابت راسخ علی الميثاق

ع ع

۶- بیانات مبارکه حضرت ولی محبوب امرالله

مرا امید چنان بود که احبای ثابت مستقیم، پرورده دست عنایت نگار عهد قدیم، در هیچ مصافی اظهار خلاف و اختلافی نفرمایند. بل در جمیع امور، آیت رحمت ربّ غفور باشند و در کمال عفو و صفح، بایکدیگر محشور گردند. چه، اگر عفو و اغماض نباشد، در هر حین و آن، نفوس باید دچار زجر و طغیان همدیگر شوند که نفسی بی قصور، یافت نشود و امری بی فتور، مشاهده نگردد. پس، اگر بنای نکته چینی باشد، تمام اوقات صرف جدال شود و کار به سوء مآل انجامد و در خدمات مهمه امرالله، موقع و مجال از دست رود. در این صورت، چاره‌ای جز عفو و اغماض نباشد. احبای الهی مادام متحدند، باید دائماً در صدد تدبیر امور و سدّ هر گونه رخنه و فتور بر آیند و چون اختلاف به میان آید، فوراً چشم‌پوشی نمایند تا امر منجر به مشکلات لاینحل نگردد.

و اما اغماض، که حافظ صلح و سداد است، جز به فداکاری میسر نیاید و فداکاری، جز به ایثار حقوق حاصل نشود. لذا، هر یک از احباء چون عندالاجتلاف حقوق خویش را فدای و داد و اتحاد ملت نمایند، رفع هر مصیبتی شود و رفع هر کدورتی گردد. بالعکس، اگر عندالاجتلاف هر یک به زعم خویش به احقاق حقوق خود پردازد، هر دم بر مشکلات افزوده گردد و امرالله مبتلای مصائب غیرمتناهی شود.

لذا، امید چنان است که کل در میدان فدایی، از یکدیگر سبقت گیرند و جمیع شئون خویش را قربان وحدت بهائی کنند...

۷- یک خاطره:

روحیه خانم خاطره جالبی را تعریف می کنند که مربوط به قضاوت خودشان درباره یکی از احباء در سفر هندوستان است. از زبان خودشان بشنویم:

من به حضرت بهاءالله محبت دارم ارزش این کار را ندارم اما عشق میورزم و صادقانه میتوانم بگویم که به سایر بهائیان نیز محبت تام دارم. اما در مقطعی از این سفر متوجه شدم که در اثر رفتار یکی از بهائیان در یکی از نقاطی که رفتم و به خاطر دارم که به صدها نقطه رفته ام بنابراین هیچ یک از شما نمی دانید مقصود من کجا است... در اثر رفتار یکی از بهائیان، در یکی از این نقاط واقعاً آماده بودم منفجر بشوم. آن شب به اتاقم رفتم و گفتم «واقعاً نمی توانم این بهائی را تحمل کنم. وحشتناک است» و می توانم بیفزایم که دلیل واقعاً موجهی داشتم که این طوری احساس کنم؛ یکی از سخت ترین نیروهای درونی را که در طول این سالها زیاد داشته ام، پشت سر گذاشتم. مدام مانند هر بشر دیگری به خاطر می آمد که این شخص چه گفته و یاد می آمد که چه کرده است و این درون قلب من، لانه کرده بود و مرا خشمگین میکرد. با خود گفتم «این اصلاً خوب نیست. اولاً او بهایی خوبی است. به امر الهی عشق می ورزد. به امرالله خدمت می کند. دیگر اهمیتی ندارد که با تو، این شخص و آن شخص چطور رفتار کرده یا چه کرده و چه گفته است. او بهایی خوبی است و به حضرت بهاءالله محبت دارد» و با خودم گفتم «مقصود کلی از تعالیم حضرت بهاءالله، ایجاد محبت و وحدت است و اگر تو نتوانی دریچه قلبت را آن قدر باز کنی که این فرد بهائی را به آن راه بدهی و دوستش داشته باشی، چون حضرت بهاءالله او را دوست دارند و او مانند تو بهائی است، پس روابط مسالمت آمیز در جامعه بهایی کجا رفته است؟ وحدت و اتحاد ما کجاست؟»

عصبانی بودم و در بستر، این پهلو و آن پهلو می شدم و گفتم: «نمی خواهم او در قلب من باشد» اما این ابداً مطلوب نبود. «یا حضرت بهاءالله لطفاً به من کمک کنید، لطفاً لطفاً لطفاً حالا من واقعاً نیاز به کمک دارم. لطفاً این احساس خشم را از دل من بیرون کنید. لطفاً کاری کنید که آن طور که باید و شاید، به این فرد بهایی عشق بورزم. لطفاً کاری کنید که به کلیه اعضا جامعه، محبت

داشته باشم؛ زیرا در غیر این صورت، وحدت بهایی مسخره می شود؛ خنده دار می شود ما ابداً
نمی توانیم در عالم این اتحاد را، ایجاد کنیم.»

خدا را شکر حضرت بهاء الله مساعدت فرمودند و من توانستم در این نبرد، بر خویشتن، فائق آیم.

مقاله «بهایی بودن به چه معنی است»